



یادداشت

الزامات استقرار خارجی برای عبور از بحران کرونا

محسن شرافتی‌نیا

یژوهشگر دفتر مطالعات دیپلماسی اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع)

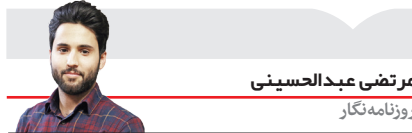
اواخر بهمن ماه سال گذشته بود که پای ویروس کرونا (covid ۱۹) به کشورمان باز شد. با گسترش این ویروس در نقاط مختلف کشور، مسئولان دولت تصمیم بر تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها گرفتند تا از شیوع بیشتر این بیماری جلوگیری کنند. با تعطیلی کسب‌وکارها بالطبع کشور با بحران‌های اقتصادی روبه‌رو می‌شود که برای حل آنها باید هرچه سریع‌تر چاره‌ای اندیشیده شود. از جمله روش‌های متداول در نظامات اقتصادی جهان توجه به استقرار خارجی است. برخی کشورها وقتی علائم بحران اقتصادی را می‌بینند یا وارد بحران اقتصادی می‌شوند، برای برون‌رفت از این وضعیت به‌سرآغ استقرار خارجی می‌روند. به‌عنوان آخرین نمونه می‌توان به کشور آرتانتین، سومین اقتصاد بزرگ آمریکای لاتین اشاره داشت. زمانی که این کشور با بحران‌هایی همچون تورم، افزایش کسری بودجه و کاهش ارزش پول ملی روبه‌رو شد، مسئولان این کشور برای حل مشکل به فکر استقرار خارجی از سازمان‌های بین‌المللی افتادند و در نهایت این صندوق بین‌المللی پول (IMF) بود که از سوی تصمیم‌سازان اقتصاد آرتانتین برای دریافت تسهیلات انتخاب شد.

قابل توجه آنکه صندوق بین‌المللی پول و نهاد‌های بین‌المللی مشابه آن، به‌طور معمول منابع خود را از حق عضویت کشورهای عضو تأمین کرده و باتوجه به شرایط با درخواست کشور متقاضی، نسبت به پرداخت وام و کمک‌های مالی اقدام می‌کنند. سازوکار کلی این صندوق به این صورت است که هر کشور عضو که با مشکل کسری موقت تراز پرداخت‌ها روبه‌رو شود، می‌تواند بر پایه پول خود، ارزش مورد نیاز خود را از صندوق دریافت کند؛ که البته این ارزش دریافتی باید طرف مدت سه تا پنج سال پرداخت شود. در مقابل، اعضای که دچار کسری شده باشند، بر پایه مقدار قرارداد، ملزم به مشورت با صندوق جهت بهبود تراز پرداخت‌های خود هستند. نکته قابل توجه دیگر اینکه وظیفه این دست اقدامات و تسهیلات جهت رفع عدم تعادل‌های اساسی و نه جزئی در اقتصاد کشورهای عضو، از ابتدا ماهیت و فلسفه وجودی صندوق بین‌المللی پول را شکل داده است.

حال بعد از اعلام رسمی صندوق بین‌المللی پول مبنی بر ارائه وام به آن دسته از کشورهایی که از شیوع ویروس کرونا آسیب دیده و اقتصادشان دچار مشکل شده است، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به صف درخواست‌کنندگان این کمک اضافه شد. هرچند ابتکار عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی در ارسال نامه‌ای رسمی به رئیس صندوق بین‌المللی پول جهت دریافت منابعی به میزان پنج میلیارد دلار برای جبران آسیب‌های ناشی از شیوع این ویروس در اقتصاد ایران، تنها تصویری فنی و بهره‌مندی از حقوق متعارف جمهوری اسلامی از مزایای عضویت در IMF نبود، اما تنها اگر از دریچه اقتصادی وقت کنیم، می‌توان نکاتی در بیان مزایا و چالش‌های پیش‌رو از دریافت این تسهیلات برشمرد.

باتوجه به اینکه ایران طی مدت ۷۵ سال عضویت در این سازمان بین‌المللی، تنها یک بار و آن هم در دوره مرحوم مصدق از این صندوق وام گرفته است و به‌رغم ابراز تمایل مکرر صندوق به پرداخت تسهیلات به ایران در سال‌های بعد از انقلاب، کشورمان تاکنون درخواستی از صندوق مبنی بر دریافت منابع مالی در قالب وام نداشته است. اما این رویه تاریخی نه‌تنها نباید موجب حذف این حق حتی از اذهان تصمیم‌گیران بانک مرکزی جمهوری اسلامی باشد، بلکه در خاطر IMF نیز باید حائز درجاتی از اولویت باشد. این نکته قابل ملاحظه‌ای است که استفاده از این منابع حق ایران است و به‌دلیل اینکه بهره‌ای معادل صفر دارد، می‌تواند یک موقعیت درخسور برای تأمین نیازهای ارزی مورد نظر جهت کاهش آسیب‌های کرونا و واردات تجهیزات پزشکی و دارویی باشد که کشور هم‌اکنون به آنها نیاز دارد.

از طرفی برخی از حوزه‌پولی و بانکی معتقدند وام خارجی طبیعتاً تبدیل به ریال می‌شود. این بدان معنی است که دولت به ازای پنج میلیارد دلاری که وام می‌گیرد، معادل ریالی را به بازار پول تزریق می‌کند و این آغاز بار تورمی ناشی از همان تزریق ریالی خواهد بود. از سوی دیگر در نگاهی کلان‌تر به مساله استقرار از صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان یکی از سازمان‌های بین‌المللی، این ملاحظه جدی است که سازمان‌های بین‌المللی هم‌زمان با این نوع تسهیلات تا حدودی در جهت اولویت خود یعنی کاهش قدرت دولت‌های ملی بوده و می‌خواهند سیاست‌هایی را در کشور وام‌گیرنده اعمال کنند که هم به‌نوعی استقلال کشور در ادامه مسیر اقتصادی مربوطه را خدشه‌دار می‌کند و هم می‌تواند جهت‌گیری‌های خاصی بر اقتصاد کشور اعمال کند که صرف‌نظر از دیدگاه سیاسی، لزوماً به لحاظ اقتصادی مورد تأیید نیستند. شاهد مثال این چالش‌های جدی که ملاحظاتی خاص خود را می‌طلبد، بیانات رهبری انقلاب در سال ۱۳۸۵ است که با اشاره به جمله معروف مه‌تایر محمد، نخست‌وزیر وقت مالزی که به ایشان گفته بود «در جریان بحران اقتصادی که پشت سر گذاشتیم، ما را یک‌شبه گدا کردند.» نقش نهاد‌های مالی بین‌المللی را در توسعه کشورها عموماً همراه با عواقبی دانستند که اگر چاره‌اندیشی پیش‌دستانه‌ای صورت نپذیرد، عواقب خطرناکی به بار می‌آورد.



مرتضی عبدالحسینی

روزنامه‌نگار

با عنایت به نقش بسیار مهم انرژی در تمامی بخش‌ها، به‌ویژه بخش اقتصادی جوامع می‌توان اظهار داشت. انرژی نیروی محرکه و محور اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای دنیا به‌شمار می‌رود و به این ترتیب، رشد آنها بدون دسترسی به منابع انرژی مطمئن و نیز دستیابی به بهره‌وری بالای انرژی، تقریباً غیرممکن خواهد بود؛ چراکه مسیر تحولات اقتصادی نشان می‌دهد تأمین انرژی کافی و سرمایه‌گذاری در این حوزه، موجب توسعه اقتصادی و رفاه در کشورها شده است. از سوی دیگر، هر یک از حلقه‌های زنجیره ارزش انرژی اعم از تولید، انتقال، توزیع و مصرف باعث ایجاد اشتغال و ارزش افزوده در اقتصاد می‌شود. بسیاری از متخصصان حوزه انرژی از سرعت تغییرات در سال‌های اخیر، به‌ویژه توسعه و کاهش هزینه انرژی خورشیدی، تغییر جغرافیای سیاسی در خاورمیانه و تکامل سیستم‌های تولید و توزیع شگفت‌زده شده‌اند. ظهور روندهای جدید مانند نرخ پایین‌رشد جمعیت، تکنولوژی‌های بنیادی جدید، چالش‌های بزرگ تر زیست‌محیطی و پیشی گرفتن آسیا در ترکیب قدرت جهانی، دنیای اساساً متفاوتی برای صنعت و اقتصاد انرژی ایجاد خواهد کرد. از طرفی تبعات اقتصادی بحران کرونا برای بازار انرژی هرچند به‌طور میان‌مدت تبعات فراوانی را در پی داشته است، به‌طوری که تقاضای جهانی نفت از ۱۰۰ میلیون بشکه در روز طی سال ۲۰۱۹ به ۷۰ میلیون بشکه در روز طی سال جاری رسیده است. در گزارش حاضر با فرض اینکه آثار شیوع ویروس کرونا بر بازارهای جهانی تا یک سال آتی کاهش یا کنترل شود، با استفاده از مطالعات مراکز پژوهشی بین‌المللی و داخلی به بررسی چشم‌انداز جهانی حوزه انرژی در ۲۰ سال آتی پرداخته شده است.

چشم‌انداز جمعیت و رشد اقتصادی تا سال ۲۰۴۰

از آنجا که تحولات بازارهای جهانی انرژی را بر رشد جمعیت و تولید ناخالص داخلی کشورها ارتباط مستقیم دارد، در این بخش ابتدا خلاصه‌ای از چشم‌انداز شاخص‌های جمعیتی و رشد اقتصادی عنوان می‌شود و پس از آن به برآوردهای انجام‌شده از تقاضای انرژی، صادرات و واردات نفت، سیاست جهانی در خصوص بازار انرژی‌های تجدیدپذیر و... اشاره خواهد شد.

افزایش جمعیت‌اسمندان نشان‌دهنده تغییر جمعیت در آینده، رشد جمعیت، اندازه جمعیت کارکنان، سطح شهرنشینی و مهاجرت است که این امر در شکل‌گیری آینده بازار انرژی و نقش مهمی ایفا خواهد کرد. براساس برآوردهای انجام‌شده انتظار می‌رود جمعیت جهان از حدود ۷/۶ میلیارد نفر در سال گذشته به ۹/۲ میلیارد نفر در سال ۲۰۴۰ افزایش یابد. عمده این افزایش جمعیت در کشورهای درحال توسعه، به‌ویژه در آفریقا، هند و خاورمیانه خواهد بود. جمعیت منطقه سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD، از ۱/۳ میلیارد نفر در سال گذشته به ۱/۵ میلیارد نفر به ۲۰۴۰ میلارد نفر در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. لازم به ذکر است که رشد کل جمعیت در طول دوره پیش‌بینی کاهش می‌یابد. از طرفی بر اساس برآوردهای انجام‌شده، انتظار می‌رود تولید جهانی ناخالص داخلی GDP طی دوره زمانی ۲۰۱۹ تا ۲۰۴۰ به‌طور میانگین سالانه ۳/۴ درصد افزایش یابد که عمدتاً به دلیل افزایش رشد در کشورهای درحال توسعه است. همچنین برآوردها نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه به‌طور متوسط ۴/۵ درصد در سال در طول دوره پیش‌بینی است، درحالی که رشد در منطقه OECD به میزان کمتری و معادل ۱/۸ درصد است که این امر به دلیل رشد پایین جمعیت فعال و افزایش کند بهره‌وری نیروی کار است. به‌طور کلی براساس برآوردهای صورت‌گرفته، اندازه اقتصاد جهانی در سال ۲۰۴۰ به دو برابر مقدار آن در سال ۲۰۱۹ خواهد رسید. سهم چین از اندازه اقتصاد جهانی به ۲۴ درصد می‌رسد. در این میان، سهم کشورهای پیشرفته منطقه آمریکا ۱۵ درصد و کشورهای پیشرفته اروپایی ۱۲ درصد خواهند شد. سایر کشورهای آسیا نیز ۱۰ درصد از اقتصاد جهانی را در اختیار خواهند داشت و هند هم با سهم ۸ درصدی یکی از کشورهای اثرگذار خواهد بود.

بازار انرژی و چشم‌انداز تقاضای آن تا سال ۲۰۴۰

تحولات بازار انرژی به‌طور خلاصه بیانگر آن است که بسیاری از کشورها، از جمله ۱۰ کشور عضو اوپک، در تلاش برای دستیابی به اهداف محیط‌زیستی و کاهش استفاده از زغال سنگ خواهند بود. از سوی دیگر رقابت هزینه‌های گاز طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر (به‌ویژه باد و خورشید) همراه با سیاست‌های حمایت‌کننده، تمایل بازارهای تجاری در سراسر جهان را به این سمت سوق خواهد داد. این تغییر به‌ویژه در چین مشهود است که مسیر را برای دستیابی به آینده‌آسمان‌آبی تعیین کرده است. همچنین سیاست‌های انرژی از پیشرفت تکنولوژی حمایت می‌کند که این موضوع منجر به بهبود کارایی و کاهش انتشار آلاینده‌ها خواهد شد. مسیر تکاملی پیشرفت تکنولوژی چشم‌انداز بهتری از آینده

چه گمانه‌هایی درباره بازار انرژی مطرح می‌شود؟

چشم‌انداز ۲۰۴۰، نفت همچنان مهم می‌ماند



در سال ۲۰۴۰ به میزان ۲۵ درصد خواهد بود که از سال ۲۰۱۹ تا سال ۲۰۴۰ حدود ۳/۱ درصد رشد نشان می‌دهد. پیش‌بینی می‌شود که سایر انرژی‌های تجدیدپذیر دارای بالاترین نرخ رشد (به‌طور متوسط) در حدود ۷/۴ درصد در سال باشند. با این وجود، با توجه به پایه فعلی پایین، افزایش مطلقی در حدود ۱۹ میلیون بشکه در روز بین سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۴۰ تخمین زده می‌شود.

تقاضای نفت در ۲ سناریو تا سال ۲۰۴۰

در میان منابع انرژی مورد استفاده در جهان، نفت مهم‌ترین منبع سوخت فسیلی در جهان به‌شمار می‌رود. براساس گزارش‌ها انتظار می‌رود تا سال ۲۰۴۰ نفت بیشترین سهم را در ترکیب انرژی جهانی داشته باشد. در عین حال، سهم نفت از تقاضای انرژی‌های اولیه در سال ۲۰۴۰ تقریباً برابر با ۲۸ درصد بالاتر از گاز است. به این ترتیب انتظار می‌رود رشد متوسط تقاضای نفت سالانه به میزان ۱/۷ میلیون بشکه در روز افزایش یابد.

۱- تقاضای نفت در میان‌مدت

در شرایط فعلی با شیوع ویروس کرونا مطابق آمارهای جهانی تقاضای جهانی نفت از نزدیک به ۱۰۰ میلیون بشکه در روز طی سال ۲۰۱۹ با کاهش ۳۰ میلیون بشکه‌ای به ۷۰ میلیون بشکه در روز رسیده است. کاهش تقاضایی که باعث شده آوریل سیاه نفت رقم بخورد و بسیاری از تولیدکنندگان نفت دچار زیان‌های چشمگیری شوند. با این حال در این گزارش با فرض اینکه تا سال آینده ویروس کرونا در جهان کنترل شود، پیش‌بینی شده که تقاضای نفت در سطح جهانی در سال‌های اخیر افزایش یافته و تا سال ۲۰۲۳ به سطح ۱۰۴/۵ میلیون بشکه در روز برسد. با این حال، تغییرات قابل ملاحظه و همچنین روند نزولی در سطوح منطقه‌ای قابل پیش‌بینی خواهد بود. همچنین پیش‌بینی می‌شود تقاضای نفت در کشورهای درحال توسعه در سال‌های متداری به میزان نسبتاً پایدار در حدود ۱/۱ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. در میان مناطق مختلف، سهم اوراسیا به‌طور متوسط در رشد کلی تقاضا تنها در حدود ۰/۱ میلیون بشکه در روز به‌طور سالانه خواهد بود.

۲- تقاضای نفت در بلندمدت

برآوردهای سازمان اوپک مؤید آن است که در دوره منتهی به سال ۲۰۴۰ تقاضای نفت ۵/۷ میلیون بشکه در روز افزایش می‌یابد که ۱۰۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ به ۱۱/۷ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. همچنین انتظار می‌رود که تقاضای نفت در کشورهای درحال توسعه بین سال‌های ۲۰۲۵ تا ۲۰۴۰ بیش از ۱۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد و از ۵۳/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۲۵ به ۶۶/۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۴۰ افزایش یابد. یکی دیگر از مشاهدات مهم این است که رشد تقاضای نفت در سطح جهانی به‌طور پیوسته کاهش می‌یابد. پیش‌بینی می‌شود که رشد جهانی نفت در دوره ۲۰۴۰-۲۰۳۵ به میزان ۰/۲ میلیون بشکه در روز برسد. با توجه به تقاضای افزایشی در طول دوره، پیش‌بینی می‌شود هند، بزرگ‌ترین نیاز نفت و سریع‌ترین رشد را تا سال ۲۰۴۰ داشته باشد. بر این مبنای، رشد تقاضای هند در سطح متوسط (۳/۷ درصدی) و همچنین بالاترین تقاضای نفت به میزان روزانه ۵/۸ میلیون بشکه را داشته باشد. با رشد سریع تقاضا، احتمالاً تقاضای هند تا پایان سال ۲۰۴۰ به میزان ۱۰ میلیون بشکه برسد. به‌رغم رشد فراوان، تقاضای کل آن همچنان به‌مراتب پایین‌تر از سطح چین است.

نیز در اختیار داشته و چندین برنامه تجدید نظر در حوزه حمایت‌مالی از جمله تأمین مالی و پشتیبانی فنی در این زمینه دارند. در ادامه برآوردها حاکی است اوراسیا نیز مصرف «سایر انرژی‌های تجدیدپذیر» را در دوره منتهی به ۲۰۴۰ افزایش دهد. این منطقه از نظر انرژی تجدیدپذیر منابع زیادی دارد، با این حال افزایش این انرژی‌ها به دلیل فقدان سیاست‌های حمایتی از جمله حمایت‌مالی و سرمایه‌گذاری‌ها محدود می‌شود. در سناریوی اصلی اوپک در این زمینه، افزایش تقریباً صفر در سال ۲۰۱۹ به حدود ۰/۸ میلیون بشکه معادل نفت خام در روز در سال ۲۰۴۰ پیش‌بینی شده است. به‌طور کلی در سطح جهانی، رشد واقعی «سایر انرژی‌های تجدیدپذیر» همچنان نامطلوب است و احتمالاً به سیاست‌های حمایتی انرژی و کاهش هزینه‌ها بستگی دارد.

چشم‌انداز تقاضای برقی تا سال ۲۰۴۰

در سال ۲۰۱۸ ظرفیت جهانی برقی تقریباً به ۲۲ گیگاوات افزایش یافت و به بیش از ۱۲۵ گیگاوات بر ساعت رسید. این افزایش به‌طور عمده ناشی از تحولات در کشورهای درحال توسعه بزرگ مانند چین و هند و همچنین در کشورهای توسعه‌یافته کوچک‌تر مانند پرتغال بود. چین با بیشترین ظرفیت تولید برقی در سال ۲۰۱۸ (تقریباً ۳۵۰ گیگاوات)، سپس آمریکا، برزیل و کانادا قرار دارند. از طرفی طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی زیادی در این زمینه وجود داشته است، نوآوری‌های بیشتری مانند نصب و راه‌اندازی سلول‌های خورشیدی شناور، به‌طور فزاینده در حال افزایش هستند و همین امر می‌تواند موجب کاهش هزینه‌ها و نتیجه افزایش بهره‌وری شود، به این ترتیب تمایل کشورهای استفاده از آن را افزایش می‌دهد. بر همین اساس پیش‌بینی می‌شود تقاضای جهانی برقی با افزایش بیش از سه میلیون بشکه معادل نفت خام در سال‌های منتهی به ۲۰۴۰ افزایش یابد تا در سال به ۱۰ میلیون بشکه معادل نفت خام در روز برسد. همچنین انتظار می‌رود کشورهای OECD، فقط افزایشی در حدود ۰/۵ میلیون بشکه معادل نفت خام در دوره پیش‌بینی را داشته باشند. پتانسیل خوبی در کشورهای اروپایی OECD (ترکیه، اتریش و نروژ) و کشورهای آمریکایی OECD وجود خواهد داشت.

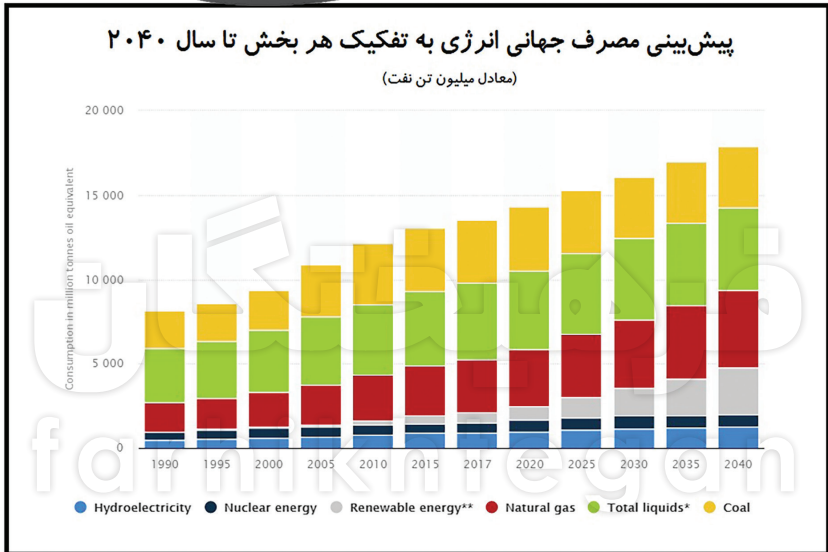
تقاضای گاز طبیعی تا سال ۲۰۴۰

از آنجا که گاز طبیعی و سایر انرژی‌های تجدیدپذیر، بیشترین رشد تقاضا را در بلندمدت خواهند داشت. گاز طبیعی به‌عنوان مهم‌ترین سوخت پاک، طی بازه زمانی منتهی به سال ۲۰۴۰ تقریباً ۳۲ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت که سالانه به‌طور میانگین، رشد آن ۱/۷ درصد است. به این ترتیب، سهم گاز طبیعی در مجموعه انرژی جهانی



تقاضای سایر انرژی‌های تجدیدپذیر تا سال ۲۰۴۰

مطابق با برآوردهای انجام‌شده انتظار می‌رود در کشورهای OECD و کشورهای درحال توسعه به دلیل حمایت‌های مستمر سیاستی هم در سطح محلی و هم جهانی، شاهد رشد ۶ میلیون بشکه معادل نفت خام در بلندمدت در استفاده از سایر انرژی‌های تجدیدپذیر باشیم. همچنین سایر مناطق همچون آفریقا، منابع زیادی را



برخی از منابع مورد استفاده عبارتند از:

۱. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری گروه پژوهشی آینده‌نگری و فناوری‌های نو، چشم‌انداز حوزه انرژی
- علی‌رضا خاتمی‌نیا و سارا ایوبی، تحلیل سناریوهای آینده انرژی، سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع.

2. <https://www.iea.org/reports/world-energy-balances-2019>
3. <https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2019>